



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

مصادف با: ۲۹ شوال ۱۴۴۵

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - مثلی یا قیمی بودن پول - تفاوت پول‌های قدیمی و جدید -

ماهیت پول‌های جدید و قدیم متفاوت‌اند یا خیر؟

جلسه: ۳۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم برای اینکه محل نزاع در این بحث که پول یک حقیقت مثلی است یا قیمی، روشن شود، باید انواع پول را که در آنها اختلاف شده از این جهت، معین کنیم. تقریباً از پنج نوع پولی که از ابتدا تا امروز پدید آمده، معلوم شد که حداقل دو نوع مورد اختلاف نیست؛ قدر متیقن این است که پول کالایی و پول فلزی طلا و نقره مثلی است. در مورد اسکناس‌های کاغذی که پشتوانه طلا و نقره داشتند هم مشهور معتقد به مثلی بودن آن هستند؛ اما در مورد اسکناس‌های کاغذی که رابطه آنها با طلا و نقره قطع شده و همچنین پول‌های تحریری، اختلاف است که آیا اینها مثلی هستند یا قیمی؛ و البته در مورد مثلی بودن هم نسبت به بعضی از اموری که مقوم مثلیت آن محسوب می‌شود اختلاف نظر وجود دارد.

تفاوت پول‌های قدیمی و جدید

ما برای اینکه به این مسأله رسیدگی کنیم، لازم است ابتداءً به تفاوت‌های پول‌های جدید و امروزی با پول‌های گذشته اشاره کنیم؛ یعنی پول‌های امروزی اعم از پول تحریری و اسکناس کاغذی، چه تفاوتی با پول‌های فلزی طلا و نقره دارد؛ چه تفاوتی با پول کالایی دارد. این تفاوت‌ها خیلی تعیین کننده است؛ اجمالاً می‌توانیم به سه فرق و تفاوت بین پول‌های امروزی و قدیمی اشاره کنیم.

تفاوت اول: یکی اینکه پول‌های تحریری و اسکناس کاغذی ارزش مبادله‌ای خود را صرفاً از اعتبار و قرارداد بدست آورده‌اند، در حالی که پول‌های قدیمی اعم از کالایی و فلزی طلا و نقره، ارزش مبادله‌ای خود را صرفاً از اعتبار و قرارداد بدست نیاورده‌اند؛ یعنی یک ارزشی داشته‌اند ولی این باعث شده که عرف با توافق، این اعتبار را هم برای پول فلزی طلا و نقره داشته باشند که واسطه در مبادله شوند. پس ارزش مبادله‌ای پول‌های امروزی تنها و تنها با اعتبار حاصل شده، اما پول‌های قدیمی اینطور نبوده است. بر همین اساس می‌توانیم به تفاوت دوم اشاره کنیم.

تفاوت دوم: پول‌های امروزی برای اینکه ارزش مبادله‌ای پیدا کنند و واسطه در مبادله شوند، نیازمند به دو اعتبار هستند؛ برخلاف پول‌های قدیمی که به یک اعتبار محتاج‌اند. این دو اعتبار عبارتند از:

۱. اعتبار ارزش مبادله‌ای برای اسکناس یا پول تحریری؛ یعنی اساساً این کاغذ وقتی این شکل و شمایل را داشته باشد، با آن می‌توان مثلاً فلان مقدار خرید کرد یا فلان مقدار خدمات دریافت کرد و لولا این اعتبار، هیچ فایده و ارزشی نداشته و هیچ فرقی با کاغذهای دیگر ندارد.

۲. اعتبار دوم اینکه این معیار سنجش است؛ یعنی هم اصل ارزش دادن به این کاغذ و هم اینکه این ارزش یک معیاری است

برای سنجش.

پس دو اعتبار برای پول‌های کاغذی و تحریری لازم است. اول از همه این کاغذ را دارای ارزش مبادله‌ای می‌کنند؛ بعد این می‌شود معیار برای سنجش ارزش؛ یعنی دیگر اشیاء و کالاها را با این می‌سنجند. پس نیازمند دو اعتبار است.

اما در مورد پول‌های قدیمی فقط یک اعتبار لازم بود، چون خودش یک ویژگی‌هایی داشت که کسی آن ویژگی‌ها را به آن نداده بود، مثل سایر کالاها و اشیاء یک خواصی در ذاتش بود که آن خواص به این ارزش مبادله‌ای می‌بخشید؛ به دلیل اینکه عقلاً به آن رغبت داشتند. ارزش مبادله‌ای ناشی از رغبت عقلاً است؛ الان چرا آب کنار رودخانه ارزش مبادله‌ای ندارد؟ برای اینکه عقلاً نسبت به آن رغبت ندارند.

پس این هم فرق دوم است که ارزش مبادله‌ای پول‌های امروزی ناشی از اعتبار است، در حالی که ارزش مبادله‌ای پول‌های قدیمی به اعتبار بستگی ندارد.

تفاوت سوم: پول‌های قدیمی صرف نظر از ارزش مبادله‌ای، یک ارزش استعمالی داشتند؛ یک فایده مصرفی برای آنها متصور بود. حتی اگر مثلاً نمک را نمی‌خواستند مبادله کنند، خودش فی نفسه ارزش استعمالی داشت و قابل مصرف بود. طلا و نقره هم همینطور بود؛ طلا و نقره برای زینت مورد استفاده قرار می‌گرفت، ولو هیچ مبادله‌ای هم با آن صورت نمی‌گرفت. سپس آن چیزی که دارای ارزش استعمالی بود، یک ارزش جدیدی پیدا کرد به نام ارزش مبادله‌ای. مثلاً طلا و نقره که یک فایده مصرفی داشت و برای زینت استفاده می‌شد، کم‌کم ارزشی پیدا کرد به نام ارزش مبادله‌ای، که بتوانند آن را واسطه مبادله قرار دهند و معیار سنجش ارزش شود؛ در حالی که پول‌های امروزی هیچ فایده مصرفی ندارند و هیچ ارزش استعمالی برای آنها قابل تصویر نیست.

از رهگذر این تفاوت، یک تفاوت دیگری به وجود می‌آید که ممکن است کسی این را به عنوان یک تفاوت جداگانه ذکر کند یا تابع آن بداند، و آن اینکه طلا و نقره چون دارای ارزش استعمالی و مصرفی بودند، قابلیت توجه استقلالی داشتند؛ یعنی کسی به طلا و نقره با قطع نظر از ارزش مبادله‌ای و معیار سنجش ارزش، مستقلاً خودش را به عنوان طلایی که فلان عیار را دارد و فلان وزن را دارد، به آن نظر می‌کرد. اما پول‌های امروزی به طور کلی قابلیت نظر استقلالی به آنها نیست؛ علت آن هم این است که فایده مصرفی و ارزش استعمالی ندارند.

این تفاوت‌ها بین پول‌های جدید و پول‌های قدیمی وجود دارد. اگر ما این تفاوت‌ها را در نظر بگیریم، طبیعتاً اسکناس کاغذی حتی با پشتوانه طلا، به نوعی متفاوت می‌شود از پول کالایی و پول فلزی طلا و نقره؛ یعنی این هم در دایره این اختلاف واقع می‌شود. بالاخره اسکناس کاغذی ولو پشتوانه‌اش طلا و نقره باشد، نه ارزش استعمالی و مصرفی دارد و نه بدون اعتبار دارای ارزش می‌شود. بالاخره ارزش یک اسکناس هزار تومانی صد سال پیش یا پنجاه سال پیش با اعتبار پدید آمده یعنی اعتبار شده این کاغذ با این رنگ مثلاً نماینده فلان مقدار طلا یا نقره در بانک مرکزی باشد. پس باز هم با اعتبار پدید می‌آید، و الا هیچ ارزش استعمالی و مصرفی ندارد. بنابراین اسکناس کاغذی با پشتوانه طلا و نقره هم بعید نیست در زمره پول‌های امروزی و جدید قرار بگیرد و لذا ویژگی‌هایی که برای پول‌های امروزی و جدید ذکر شد، بر اسکناس‌های کاغذی با پشتوانه طلا و نقره هم منطبق شود.

سؤال:

استاد: گفتیم پول‌های قدیمی یک اعتبار لازم دارد، پول‌های جدید دو اعتبار. مسلّم است پول‌های قدیمی هم نیاز به اعتبار دارد؛ برای اینکه در میان این همه کالا در زمان پول کالایی، چرا نمک و گندم و صدف به عنوان پول پذیرفته شد؟ این با اعتبار بود؛ اینکه مسلّم است. ما عرض کردیم پول‌های جدید نیازمند دو اعتبار است و پول‌های قدیمی یک اعتبار. اگر یادتان باشد ما عرض کردیم پول به حسب آنچه که گفته‌اند، سه کارکرد دارد: ۱. واسطه مبادله؛ ۲. معیار سنجش ارزش؛ ۳. ذخیره ارزش. بنابراین واسطه مبادله بودن غیر از معیار سنجش ارزش است؛ این دو با هم فرق دارد. ما می‌گوییم در پول‌های جدید، دو اعتبار لازم است: یکی اعتبار ارزش مبادله‌ای است؛ این در پول‌های قدیمی و در طلا و نقره هم بود. اما اینجا چطور؟ اینجا قبل از این نیاز به اعطای یک ارزش به این کاغذ هست؛ چون خودش هیچ فرقی با کاغذهای دیگر ندارد. بنابراین ابتداءً باید خود ارزش مبادله‌ای به آن داده شود و این با اعتبار پدید می‌آید. پس ما دو مسأله داریم: یکی اصل ارزش مبادله‌ای است؛ دوم، اینکه این ارزش مبادله‌ای به عنوان معیار سنجش باشد. برای همین است که ما می‌گوییم در پول‌های قدیمی یک اعتبار لازم بوده اما در پول‌های امروزی دو اعتبار.

ماهیت پول‌های جدید و قدیم متفاوت‌اند یا خیر؟

حال آیا این تفاوت‌ها و فرقی‌ها بین پول‌های قدیمی و پول‌های جدید، آیا باعث می‌شود ما پول‌های جدید را ماهیتاً متفاوت از پول‌های قدیمی بدانیم؟ به عبارت دیگر آیا این پول‌های جدید یک ماهیت جدید پیدا کرده‌اند یا اینکه از نظر ماهیت همان ماهیت را دارند و واجد همان ماهیت هستند، منتهی یک تغییراتی در آنها پدید آمده است؟ این مسأله از این جهت تعیین کننده است که اگر گفتیم ماهیتاً همان پول‌های قدیمی هستند، می‌توانیم در تمام احکام و آثار این پول‌های جدید را ملحق به همان پول‌های قدیمی کنیم؛ اما اگر گفتیم اینها ماهیت جدیدی پیدا کرده‌اند، طبیعتاً باید خصوصیات این ماهیت را کشف کنیم. مثلاً در مورد مثلی و قیمی بودن یک عده‌ای نظرشان این است که اساساً این پول‌های جدید ماهیتاً با پول‌های قدیمی متفاوت‌اند، و لذا تطبیق مثلی و قیمی بر آنها درست نیست. یعنی اینها از مقسم مثلثیت و قیامت خارج‌اند، که بعداً اشاره خواهیم کرد.

به هر حال این مسأله، مسأله مهمی است که آیا ما این پول‌های جدید را یک ماهیت متفاوتی می‌دانیم یا همان ماهیت در این پول‌ها هم حفظ شده است؟ مهم‌ترین چیزی که ممکن است موجب تفاوت ماهوی پول‌های جدید و قدیم شود، باز شدن پای اعتبار به دایره پول‌های جدید است. الان پول‌های جدید را به عنوان پول‌های اعتباری می‌شناسند در مقابل پول حقیقی. پول حقیقی یعنی آن چیزی که به عنوان واسطه مبادله و معیار سنجش ارزش واقع شده اما خودش یک اوصاف ذاتی دارد که موجب رغبت عقلا می‌شود. یعنی اگر عرف نمی‌آمد اینها را به عنوان واسطه در مبادله به رسمیت بشناسد، خودشان واجد یک اوصافی بودند که این باعث می‌شد عقلا نسبت به اینها رغبت پیدا کنند. به همین جهت به اینها پول حقیقی می‌گفتند؛ یعنی آن چیزی که ارزشش به خاطر صفات ذاتی خودش بود، لکن توسط عرف به عنوان واسطه مبادله به رسمیت شناخته شد. اما این پول‌های اعتباری ذاتاً هیچ ارزشی ندارند و هیچ فایده‌ای برای آنها متصور نیست؛ به تعبیر دیگر هیچ ارزش استعمالی ندارند. اگر ما مهم‌ترین تفاوت پول‌های امروزی و پول‌های قدیمی را در این حیث منحصر کنیم، آیا می‌توانیم بگوییم این ماهیتاً متفاوت با پول‌های پیشین است؟ اینکه یک چیزی ارزش استعمالی نداشته باشد و تنها با اعتبار دارای ارزش شود، واقعاً باعث می‌شود این شیء ماهیتاً با قبل از خودش متفاوت شود، یا اینکه یک جنس مشترک بین اینها وجود دارد؟ این خیلی مهم است. اگر ما حقیقت پول را به نوعی تعریف کردیم که این حقیقت در هر دو زمان (یعنی هم در گذشته و هم امروز) محفوظ باشد،

معلوم می‌شود ماهیت آن تغییر نکرده است. در مورد تعریف پول ملاحظه فرمودید اختلافاتی وجود دارد؛ بسیاری از تعاریف اساساً تعریف به لوازم و آثار بودند، تعریف حقیقی محسوب نمی‌شدند. اگر ما مسامحه‌تاً تعریف به لوازم و آثار را بپذیریم، بالاخره پول به بیان ساده عبارت است از چیزی که واسطه در مبادله است و ارزشی دارد که به ازای آن می‌توان کالا یا خدمات دریافت کرد؛ و نیز معیار سنجش ارزش است. این اشاره به همان دو کارکردی دارد که قبلاً هم گفتیم. یک کارکرد سومی هم برای پول ذکر کردند و آن ذخیره ارزش است.

اگر ما این سه کارکرد را در مورد پول به معنای عام بپذیریم، آیا این کارکردها در پول‌های امروزی نیست؟ همین کارکردها در مورد پول‌های امروزی وجود دارد؛ یعنی معیار سنجش ارزش است، واسطه در مبادله است، و ذخیره ارزش. اگر این کارکردها در مورد پول حقیقی و در مورد پول اعتباری وجود داشته باشد و ما اینها را یا از مقومات پول بدانیم یا از لوازم و آثار، موجب تفاوت ماهوی بین این دو نمی‌شود؛ ما هیچ کجا نداریم که پول حتماً باید چیزی باشد که خودش ارزش ذاتی داشته باشد. اگر ما این ویژگی را در تعریف پول اخذ کنیم، طبیعتاً پول‌های امروزی ماهیتاً متفاوت می‌شوند از پول‌های قدیمی؛ یعنی اگر فرض کنید ما بگوییم پول عبارت است از یک شیء دارای ارزش ذاتی که واسطه مبادله و معیار سنجش ارزش شده، اینجا طبیعتاً چیزی که ارزش ذاتی ندارد، ماهیت آن متفاوت است با آنچه که دارای ارزش ذاتی است. اما دلیلی ندارد که ما بگوییم واجدیت ارزش ذاتی یکی از اجزاء ماهوی پول است. همانطور که اشاره کردیم، پول یک اجزاء ماهوی یا آثار و لوازمی دارد، و ما با قطع نظر از اینکه بخواهیم در مقام تعریف حقیقی و بیان جنس و فصل باشیم، پول را اجمالاً اینگونه معرفی می‌کنیم که یک چیزی که این کارها از آن بیاید و بتواند این نقش‌ها را به عهده بگیرد. بنابراین بحث‌های دیگر و تلاش برای معرفی اجزاء ذاتی مفهومی، خیلی ضرورتی ندارد؛ چون واقعاً تعریف حقیقی یا مشکل است یا ممتنع. ما وقتی می‌گوییم ماهیت پول، منظورمان مثل ماهیت انسان که مرکب از حیوان ناطق است، شاید نباشد؛ تازه حتی در مورد حیوان ناطق هم می‌گویند معلوم نیست این اجزاء حقیقی و جنس و فصل واقعی انسان باشد.

با این بیانی که عرض کردیم، معلوم می‌شود که پول یعنی چیزی که این نقش‌ها را به عهده بگیرد؛ این نقش‌ها هم برای پول جدید قابل تعریف است و هم برای پول قدیمی. لذا اینکه بگوییم ماهیتاً متفاوت شده، وجهی ندارد؛ بسیاری از مفاهیم در گذشته بسیط بودند اما به مرور زمان پیچیده شدند. شما اجتهاد را امروز می‌توانید با اجتهاد در عصر معصوم (ع) یکی بدانید؟ به یک معنا اساس آن فرقی ندارد، اما اجتهاد امروز کجا و اجتهاد در آن عصر کجا! اجتهاد در آن دوره بسیار بسیط بوده اما هر چه جلوتر آمدیم بسیار پیچیده‌تر شده است. ولی این پیچیده‌تر شدن باعث نمی‌شود که ما بگوییم اجتهاد و استنباط در این دوره ماهیتاً متفاوت با اجتهاد و استنباط در عصر معصوم (ع) است؛ ما پیچیده‌تر شدن‌ها و تکامل مفهومی و تطورات را انکار نمی‌کنیم. ولی معتقد نیستیم که این پیچیدگی‌ها و تفاوت‌ها موجب تغییر در ماهیت آنها می‌شود. البته این بحث ادامه دارد. فعلاً تا اینجا اجمالاً باید بگوییم پول‌های جدید با پول‌های قدیمی ماهیتاً متفاوت نیست. اما چه نتیجه‌ای از این باید بگیریم، ان شاء الله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»